

دوره نهم نغذیه

جلسه ۱۲۶

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات روز سه شنبه)

چهارشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱۴ - ۶ عرم ۱۳۵۴

شماره مسلسل: ۲۸۰

قیمت اجزاء { داخلی: ۲۵۰ ریال / خارجی: ۱۰۰ ریال } تک شماره: دو ریال

مطبوعات مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱۴ (۶ محرم ۱۳۵۴)

## فهرست مذاکرات

- ۱ - تصویب صورت مجلس  
 ۲ - اجازه مبادله قرارداد و مقاله نامه های منعقد در کنگره پستی قاهره  
 ۳ - تصویب قسمتی از قانون مدنی راجع به نخلان نکاح  
 ۴ - موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس روز قبل را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند

اولیه خود و بن ماده واحده پیشنهادی دولت را تأیید نموده و برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم می نماید.

رئیس - بن ماده واحده پیشنهادی دولت در این خصوص ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد پستی عمومی و مقاله نامه مراسلات و جعبه های باقیمت اظهار شده و مقاله نامه امانات پستی و مقاله نامه بروات پستی را که در تاریخ بیستم مارس ۱۹۳۴ مطابق سی ام اسفند ماه ۱۳۱۲ در کنگره پستی قاهره منعقد و بشرح ذیل تنظیم یافته تصویب می نماید :

اول - قرارداد پستی عمومی دارای ۸۲ ماده و پیوستگی

۱ - تصویب صورت مجلس  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ ( اظهاری نشد )  
 صورت مجلس تصویب شد

۲ - اجازه مبادله قرارداد و مقاله نامه های کنگره پستی قاهره

رئیس - خبر از کمیسیون پست و تلگراف راجع به اجازه مبادله چهار فقره قرارداد و مقاله نامه های قاهره : کمیسیون پست و تلگراف در جلسه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱۴ لایحه نمره ۲۴۹۹۸ دولت راجع با اجازه مبادله چهار فقره قرارداد و مقاله نامه های پستی عمومی بین المللی منعقد در قاهره را برای شور دوم مطرح نموده و چون در موقع شور اول اعتراضی نرسیده بود لذا کمیسیون خبر

بن عین مذاکرات مشروح یکصد و سی و ششمین جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

بن اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : نازی - فرشی - شیرازی - امدی - کازرونیان - عراقی - اعظم زنگنه - حازه کاش - وکیل مسعود عیسی - یونس آقا و هابزاده - شریعت زاده - ناصری - کورس - مدلل - یوز سرشیب  
 دیر آمدگیل بی اجازه - آقایان : غفاری - مرزوقی - قلیغان بات - امانداری - دکتر ادهم - طهرانی - نیکپور وکیل - فراگرو - هراز - معین آقا مهدوی

نهایی آن شامل چهار ماده و نظامنامه اجرای قرار داد مزبور مشتمل بر ۹۲ ماده و مقررات مربوط بحمل ونقل مراحل آن هوایی منضم ۳۰ ماده و پروتکل نهائی آن شامل سه ماده

دوم - مقاله نامه راجع بمراسلات و جنبه های باقیمت اظهار شده دارای ۳۴ ماده و پروتکل نهائی آن مشتمل بر یک ماده و نظامنامه اجراء مقاله نامه مذکور منضم ۱۶ ماده

سوم - مقاله نامه راجع بامانات پستی شامل ۵۴ ماده و پروتکل نهائی آن دارای ده ماده و نظامنامه اجرای مقاله نامه مذکور منضم ۵۴ ماده و مقررات راجع بحمل امانات پستی از راه هوا مشتمل بر ۲۲ ماده با پروتکل نهائی آن دارای یک ماده . چهارم - مقاله نامه بروات پستی شامل ۳۹ ماده و نظامنامه اجرای مقاله نامه مذکور دارای بیست ماده .

رئیس - شور دوم است . نسبت بماده واحده اعتراض فرسیده است آقایانیکه ماده واحده را بوضع که فراموش شده تصویب می فرمایند برخیزند . ( اکثر برخاستند ) تصویب شد .

۳ - تصویب قسمتی از قانون مدنی راجع بانحلال نکاح

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع بکتاب دوم قانون مدنی راجع بانحلال عقد نکاح . شور دوم : لایحه نامه ۲۹۱۳۱ دولت در تعقیب مواد قانون مدنی برای شور دوم در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح وبالاخره بارابرت شور اول که عین همان لایحه دولت می باشد موافقت و علیهذا خبر آن را برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم میدارد .

رئیس - ماده ۱۱۲۰ فراموش میشود :

باب دوم - در انحلال عقد و نکاح

ماده ۱۱۲۰ - عقد نکاح بفسخ یا بطلاق یا بیدل شدن در عقد انقطاع منحل میشود

رئیس - آقای دیبا

طباطباتی دیبا - مسئله انحلال راجع بفسخ نکاح

صحیح است اینجا وقتی که نکاح فسخ میشود حقیقتاً منحل میشود یعنی کانه از اول این عقد بوده است ولم یکن فرض میشود ولی نسبت بطلاق و بذل مدت اینجا اطلاق انحلال بنظر بنده صحیح نیست چون عقدی بوده است و صحیح هم بوده است دیگر این را انحلال نمی گویند و این صحیح نیست زیرا انحلال آلتی که از اول بوده فرض می شود

مؤید احمدی ( غیر کمیسیون قوانین عدلیه ) - عرض کنم گویا آقای دیبا در لفظ اشکال دارند در معنی که اشکالی نیست ولی عرض میکنم که انحلال شامل تمام اینها میشود ( صحیح است ) اصلاً عقدی که واقع میشود بادائم است یا منقطع است اگر انقطاع بود که انحلال آن همان بذل مدت است و اگر عقد دائم بود که بطلاق منحل میشود و اگر عیوب و تدلیس باشد که بفسخ منحل میشود ( صحیح است ) در هر صورت تصور نمیکند اشکال داشته باشد . ( صحیح است )

رئیس - آقای افر

المر - البته خاطر آقای مسبوق است که حل و عقد در مقابل هم است اگر عقد درست است حل هم در مقابلش هست حل و عقد امور در مقابل یکدیگر است اگر عقد که به معنی کرده زدن است درست نیست بنده نمیدانم چه اشکالی دارد ؟ مطلب درست است بعقیده بنده ( صحیح است )

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۱۲۰ موافقت دارند برخیزند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد ماده ۱۱۲۱ قرائت میشود :

فصل اول - در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۱ - جنون هر یک از زوجین بشرط استقرار اعم از اینکه مستمر با اداری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است .

رئیس - آقای دیبا

طباطباتی دیبا - اینجا مسئله استقرار جنون البته اشکالی درش نیست چه دائمی باشد چه ادواری ولی سر

محکمه منتظر خواهد شد و حکم نمیدهد وقتی که زن مراجعه کرد و رسیدگی نمی کنند تا یکسال بگذرد یا اینکه حکم را میدهد و معافاً که پس از یکسال اگر رفع این عیب نشد آنوقت زن حق فسخ خواهد داشت این را خوبست توضیح بدهند تا در عمل اسباب اشکال نشود .

وزیر عدلیه - حکم معافی که معنی ندارد آقای ( صحیح است ) محکمه وقتی میتواند حکم بدهد که ثابت شده باشد حق برای زن یعنی در همانوقت بتواند فسخ کند محکمه آنوقت حکمش را خواهد داد ( صحیح است )

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۱۲۲ موافقت برخیزند ( جمع زیادی برخاستند ) تصویب شد ماده ۱۱۲۳

ماده ۱۱۲۳ - عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود : ۱ - قرن ۲ - جذام ۳ - برص ۴ - افضاء ۵ - زمین گیری ۶ - نابینائی از هر دو چشم

رئیس - آقای انصار میرزا حسینخان الشار - بنده از آقای وزیر عدلیه سؤال میکنم که در این صورت هم مهر زن میرسد یا خبر ؟

یعنی در موقع فسخ نکاح مهریه زن میرسد یا نمیرسد ؟ ولیر عدلیه - مهریه موضوع علیحده ایست آقای . این طلاق نیست که در صورت طلاق اگر زن غیر مدخوله باشد نصف مهر را مستحق است اگر مدخوله باشد تمام مهر را در این جا هم اگر مدخوله باشد البته آن مهر الدئل می خواهد منافاتی با این ندارد . این جا فسخ است فسخ یعنی انحلال نکاح از اصل و فرض ایست که مرد مطلع بر این عیوب نبوده است زیرا اگر این عیوب را اطلاع می داشت نمی کرد . پس این جا حق فسخ را داراست و حق فسخ لازم نیست با پرداخت مهر مگر در صورتیکه مدخوله باشد آن هم خیلی مشکل است تصور می چون لابد بر عیوب مطلع میشود و در آنصورت هم مهر الدئل خواهد بود

عمل این موضوعات و کیفیات که میرسد و در مقام عمل ممکن است موجب اشکال بشود اجرای اینماده استقرار در جنون دائم را ممکن است رجوع کنند باطباء البته طبیب هم تشخیص میدهد و کشف میکند که این مستقر است یا نیست ولی در جنون ادواری اینطور نیست و آن این است که یک روز خوب است و یک روز خوب نیست حال در مقام عمل نمیدانم این جا محکمه تکلیفش چه چیز است ؟ طبیب رجوع می کند با خودش تشخیص میدهد ؟ این را خوبست آقای وزیر عدلیه یک توضیحی بدهند .

وزیر عدلیه - مقصود از اینکه استقرار داشته باشد جنون لازم نیست که مستمر باشد بلکه ممکن است که همان ادواری هم استقرار پیدا کند . البته مثل توبه غیب که یک روز خوبست و یک روز بد ، چندی حائش خوبست و چندی جنون پیدا میکند ولی این حال دراز علی ای حال هر چه باشد مستقر است و البته ثبوت هر چیزی هم باید با وسائل لازمه در محکمه بشود و اینها هم حکم بعد از ثبوت است آقای . ( صحیح است )

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۱۲۱ همراهند برخیزند ( اکثر قیام کردند ) تصویب شد . ماده ۱۱۲۲

ماده ۱۱۲۲ - عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود :

۱ - عین بشرط اینکه بعد از گذشتن مدت یکسال از تاریخ رجوع زن به محاکم رفع نشود

۲ - خصی

۳ - مقطوع بودن آلت تناسل

رئیس - آقای دیبا

طباطباتی دیبا - اینجا نوشته است عین بشرط اینکه بعد از گذشتن مدت یکسال از تاریخ رجوع زن به محاکم رفع نشود . این را بنده در کمیسیون عدلیه عرض کردم و آقای وزیر عدلیه هم توضیح دادند و لازم میدانم در مجلس هم توضیح بدهند که این یکسال مهلتی که دارد

رئیس - آقای دکتر ملکزاده

دکتر ملکزاده - بنده منتقدم که مرض صرع هم در اینجا اضافه شود

افشار - سل هم ضمیمه شود

معتبر - البته امراض زیاد است آقا ولی اگر بنا باشد که امراض را تماماً ذکر کنیم زیاد میشود ولی این امراض که اینجا ذکر شده است چون ابتهای مانع از زوجیت است و چون در قوانین شرع ذکر شده است و تصریح شده است ما عیناً همتهارا این جا آورده ایم و الا امراض زیاد است و خیالی از امراض را ممکن است ذکر کرد

رئیس - آقابانی که با ماده ۱۱۲۴ همراهند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۲۴

ماده ۱۱۲۴ - عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است.

رئیس - آقابانیکه با ماده ۱۱۲۴ همراهند برخیزند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۱۲۵

ماده ۱۱۲۵ - جنون و عنین در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود

رئیس - اشکالی نیست آقابانیکه با ماده ۱۱۲۵ موافقت دارند برخیزند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۲۶

ماده ۱۱۲۶ - هر يك از زوجین که قبل از عقد عالم یا عاقل باشد در طرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت

رئیس - نظری نیست موافقین با ماده ۱۱۲۶ برخیزند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۲۷

ولی متمنع است و خودش اجرا میکند آن حکم کلی است که در جی خودش منعبط است و چون این امور هم پیش حاکم محکم می رود او مطابق موازین تکلیف خودش را میداند و بهمان ترتیب عمل میکند اگر او حاضر نشد طلاق بدهد حاکم عوض از طلاق میدهد (صحیح است) رئیس - آقای امیر قیومور

امیر قیومور کلالی - عرض کنم بعضی مواقع ممکن است ندادن نفقه بواسطه فقر و تنگدستی باشد و شوهر بواسطه فقر و تنگدستی عجز از پرداخت نفقه داشته باشد در این صورت نمیشود او را مجبور کرد يك وقت است که نفی خواهد بردازد يك وقت است که میخواهد نفقه را بردازد ولی عجز دارد زیرا پرداخت نفقه در اینصورت بعقیده بنده هیچ شرعی و عدلانه نیست که او را مجبور بطلاق کنند استدعا میکنم در این باب توضیح بفرمائید

رئیس - آقای آقصر

آقصر - حرف سر همین موضوع است که اگر یکی عجز داشت تقصیر زن چیست يك نظر اگر عاجز بود و فقیر بود باید يك نظر دیگر را هم بدبخت کند خوب طلاق بدهد که آن زن مرود بی کار خودش بالاخره یکی عاجز است و برهنه است یکی دیگر را هم لغت کند بالاخره طلاق کار آسانی است طلاقش میدهد و میرود دنبال کارش اگر چنانچه زن حاضر است و زن وفاداری است که اشکالی ندارد و شکایت نمیکند و با عین بدبختی میسازد و اگر شکایت کرد خوب چه مانع دارد که طلاق بدهد وقتی که کسی ندارد علت ندارد که دیگری را اسیر کند من اگر ندارم چرا باید تو کر نگاه بدارم باید خودم خدمت خودم را بکنم کسی هم که ندارد زن نگاه ندارد و خودش تنها بماند

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - عرضی ندارم

رئیس - آقابانی که با ماده ۱۱۲۹ موافقت دارند

بر خیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۱۳۰

ماده ۱۱۳۰ - حکم ماده قبل در موارد ذیل نیز جاری است

۱ - در موردیکه شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد

۲ - سوء معاشرت شوهر بعدی که ادامه زندگانی زن را با او غیر قابل تحمل سازد

۳ - در صورتیکه بواسطه امراض سرسبه صعب العلاج دوام زنا شوئی برای زن موجب مخاطره باشد

رئیس - نظری نیست (خیر) آقابانیکه با ماده ۱۱۳۰ موافقت دارند برخیزند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۳۱

ماده ۱۱۳۱ - خیار فسخ قوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع بعلت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط میشود بشرط اینکه علم به

فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده بنظر عرف و عادت است

رئیس - نظری نیست آقابانیکه با ماده ۱۱۳۱ موافقت دارند برخیزند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۳۲

ماده ۱۱۳۲ - در فسخ نکاح رعایت فرقیانی که برای طلاق مقرون است شرط نیست

رئیس - موافقین با ماده ۱۱۳۲ برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۱۳۳

فصل دوم - در طلاق

مبحث اول - در کلیات

ماده ۱۱۳۳ - مرد میتواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد

رئیس - نظری نیست موافقین با ماده ۱۱۳۳ قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۳۴

ماده ۱۱۳۴ - طلاق باید بصفه طلاق و در حضور  
لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد.  
رئیس - نظری نیست آقابابیکه باماده ۱۱۳۴  
موافقت دارند برخیزند  
(اکثر برخاستند)  
رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۳۵  
ماده ۱۱۳۵ - طلاق باید منجز باشد و طلاق معاق  
بشرط باطل است  
رئیس - آقابابیکه موافقت دارند برخیزند (بیشتر قیام  
نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۳۶  
ماده ۱۱۳۶ - طلاق دهنده باید بالغ و عاقل و قاصد  
و مختار باشد  
رئیس - آقابابیکه باماده ۱۱۳۶ موافقت دارند  
برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۳۷  
ماده ۱۱۳۷ - ولی مجنون دائمی میتواند در صورت  
مصلحت مولی علیه زن او را طلاق دهد  
رئیس - آقابابانی که باماده ۱۱۳۷ همراهند برخیزند  
(بیشتر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۳۸  
ماده ۱۱۳۸ - ممکن است صیغه طلاق را بتوسط وکیل  
اجرا نمود  
رئیس - نظری نیست. آقابابیکه باماده ۱۱۳۸  
موافقت دارند برخیزند. (اغلب قیام نمودند) تصویب  
شد. ماده ۱۱۳۹  
ماده ۱۱۳۹ - طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطع  
باقضاء مدت بابت آن از طرف شوهر از زوجیت خارج میشود  
رئیس - آقابابانی که باماده ۱۱۳۹ موافقت دارند  
برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۰  
ماده ۱۱۴۰ - طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا  
در حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد  
باطلاق قبل از نزدیکی بازن واقع شود یا شوهر غائب  
باشد بطوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند  
حاصل کند.

الر - عرض کنم ملاحظه فرمودید در این قانون  
هر جا که رسیدیم کتایب که از همه نزدیکتر بود بآن  
مقصود نزدیک بود و نزدیکی گذارده شد که سابقاً هم  
در فارسی به همین معنی استعمال شده است اینجا اگر  
اصلاح نشود ممکن است سوء تفاهم بشود پس بهتر اینست  
که هم بهتری در اینجا هم اصلاح شود و تبدیل به نزدیک  
شود برای اینکه با آن مواد قبل هم تطبیق کند و خیال  
نشود که يك معنی دیگری است  
وزیر عدلیه - بل صحیح است  
رئیس - نظر آقای محیر؟  
مخبر - صحیح است همه جا نزدیک نوشته شده است  
رئیس - آقابابانی که باماده ۱۱۴۵ با اصلاح کوچکی  
که شد موافقت دارند برخیزند  
(جمع کثیری برخاستند)  
رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۴۶  
ماده ۱۱۴۶ - طلاق خلع آن است که زن بواسطه  
کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که بشوهر  
میدهد طلاق بگردد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا  
معادل آن و بیشتر و یا کمتر از مهر باشد  
رئیس - آقابابانی که باماده ۱۱۴۶ موافقت دارند  
برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۷  
ماده ۱۱۴۷ - طلاق هیارات آلت که کراهت از  
طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان  
مهر نباشد.  
رئیس - موافقین باماده ۱۱۴۷ قیام فرمایند (عده  
زیادی قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۸  
ماده ۱۱۴۸ - در طلاق رجعی برای شوهر در مدت  
عده حق رجوع است  
رئیس - آقابابانی که باماده ۱۱۴۸ همراهند برخیزند  
(بیشتر نمایندگان برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۹  
ماده ۱۱۴۹ - رجوع در طلاق بهر لفظ یا فعلی حاصل  
میشود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون

بفصد رجوع باشد  
رئیس - نظری نیست. موافقین باماده ۱۱۴۹  
برخیزند  
(اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۵۰  
مبحث سوم در عده  
ماده ۱۱۵۰ - عده عبارتست از مدتی که با اقتضای آن  
زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر  
دیگر اختیار کند  
رئیس - اشکالی نیست. آقابابانی که باماده ۱۱۵۰  
موافقت دارند برخیزند.  
(بیشتر برخاستند)  
رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۵۱  
ماده ۱۱۵۱ - عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر  
است مگر اینکه زن باقتضای سن عادت زنانگی ببیند که  
در این صورت عده او سه ماه است  
رئیس - نظری نیست. آقابابانی که باماده ۱۱۵۱  
موافقت دارند برخیزند  
(جمع کثیری قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۵۲  
ماده ۱۱۵۲ - عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و  
انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است  
مگر اینکه زن باقتضای سن عادت زنانگی ببیند که در  
این صورت چهل و پنج روز است  
رئیس - آقابابانی که باماده ۱۱۵۲ موافقت دارند  
برخیزند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۵۳  
ماده ۱۱۵۳ - عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت  
وانقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.  
رئیس - نظری نیست. آقابابانی که موافقت دارند  
برخیزند.  
(بیشتر نمایندگان برخاستند)  
رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۵۴

رئیس - موافقین با ماده ۱۱۴۰ برخیزند (جمع  
کثیری برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۱  
ماده ۱۱۴۱ - طلاق در طهر موافقه صحیح نیست  
مگر اینکه زن یا سه با حامل باشد.  
رئیس - اشکالی نیست. آقابابیکه باماده ۱۱۴۱  
همراهند برخیزند (بیشتر برخاستند) تصویب شد. ماده  
۱۱۴۲  
ماده ۱۱۴۲ - طلاق زنی که با وجود اقتضای سن  
عادت زنانگی نمیشود وقتی صحیح است که از تاریخ  
آخرین نزدیکی بازن سه ماه گذشته باشد.  
رئیس - آقابابانی که باماده ۱۱۴۲ موافقت دارند  
برخیزند. (بیشتر نمایندگان برخاستند) تصویب شد.  
ماده ۱۱۴۳  
مبحث دوم - در اقدام طلاق  
ماده ۱۱۴۳ - طلاق بر دو قسم است. بائن و رجعی  
رئیس - آقابابانی که باماده ۱۱۴۳ موافقت دارند  
برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۴  
ماده ۱۱۴۴ - در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع  
نیست.  
رئیس - عرض کنم که این مواد خیلی متوالی و  
زیاد است جای بحث هم کم است آقابان خسته نشوند  
آقابابانی که باماده ۱۱۴۴ موافقت دارند برخیزند (بیشتر  
برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۵  
ماده ۱۱۴۵ - در موارد ذیل طلاق بائن است  
۱ - طلاق که قبل از همبستری واقع شود  
۲ - طلاق بائنه  
۳ - طلاق خلع و هیارات مادام که زن رجوع  
بدون نکرده باشد  
۴ - سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی بعمل  
آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه  
نکاح جدید.  
رئیس - آقای افسر

ماده ۱۱۵۴ - عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در اینصورت عده وفات ناموقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۱۵۴ موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۵۵:

ماده ۱۱۵۵ - زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن بائمه تا عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر دو مورد باید رعایت شود

رئیس - موافقت با ماده ۱۱۵۵ برخیزند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۵۶:

ماده ۱۱۵۶ - زنی که شوهر او غایب مفقودالامر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاهدارد

رئیس - نظری نیست آقایانیکه با ماده ۱۱۵۶ موافقت دارند برخیزند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۵۷ آخرین ماده

ماده ۱۱۵۷ - زنیکه به شبهه یا کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاهدارد

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۱۵۷ موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه از طرف آقای ملک مدنی پیشنهاد شده است میخواستم عرض کنم که اگر تصویب فرمودید به بنده اجازه دهید که ترمیمی مواد اصلاح و مرتب شود قرائت می شود

ماده قبل را پیشنهاد مینمایم:

در موردی که زن بدون عذر مشروع از تمکین و رفتن بخانه شوهر استنکاف ورزد محکمه بتقاضای شوهر حکم تمکین و بازگشت زن را بمنزل او خواهد داد در صورتیکه زن پس از صدور حکم محکمه و قطعییت آن حاضر نباشد تمکین نشود محکمه او را برای هر روزی که تخلف از اطاعت حکم مزبور کند به غرامتی که کز از پنج ریال و زیادتر از دوست ریال نباشد محکوم خواهد کرد محکمه مکلف است در ضمن صدور حکم تمکین غرامت هر روز را تعیین کند که زن در صورت تخلف از مفاد حکم تمکین بشوهر بپردازد

رئیس - آقای ملک مدنی

عالمک مدنی - عرض کنم در قسمت مواد پیش بری زن يك اختياراتی قابل شدم این جا هم به قیده بنده لازم است جزائی برای تمکین نکردن زن قابل شوم سابقه هم دارد در محاکم و دیده شده است که احکامی که راجع به تمکین صادر میشود مورد اجرا پیدا نمیکند با این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که اگر حکمی از محکمه صادر شد يك جزائی هم در برابرش باشد

وزیر عدلیه - این ماده خیلی خوبست برای اینکه از يك مدتی با نظر طرف محاکم دچار اشکال شدم اند برای اجرای تمکین البته پس از اینکه مطابق قانون مدنی زن مکلف به تمکین و اطاعت از شوهر است و زن باید در خانه شوهر اقامت داشته باشد و بعضی از زنها از منزل شوهر خارج میشوند و از اطاعت شوهر بیرون میروند بکوفت هست که معذور هستند چنانچه در ماده های پیش گذشت که اگر خوف ضرر جانی یا مالی از برای او باشد معذور است و محکمه هم حکم بازگشت بمنزل شوهر را نخواهد داد و در اینصورت هم نفقه او بر عهده شوهر است اینها الزاماتی است بر شوهر ولی مواردی است که زن بدون عذر ووجه بیرون می رود مردم شکایت کرد محکمه بعنوان عدم تمکین و محکمه هم حکم تمکین داده است ولی اجرای آن خیلی مشکل شده است برای اینکه زن که مثل مال و

ملك نیست که بگذرد بصرفه ذبحی بداند و در تصرف او باقی بماند فرض بفرمائید که با چیار هم بگذرد زن را بردند بمنزل شوهر ولی باز می رود بیرون حبس زن هم که معنی ندارد آخرین بکری که در این کار میشود کرد این است چنانچه در پاره از مالک خارج هم همینطور است بعضی جاها يك نوبت اجبار می کنند و با آواز و بنا فواخ فهریه میروند بعضی جاها هم این کار را بارن میکنند چون برخلاف احترام و ادبست از ابتدا همان کلمه غرامت را برای او میگذارند که هر روزی که تخلف کرد غرامت بدهد و بنظر بنده این مناسب تر است که جنبه تضمین این ماده باشد که اگر تخلف کرد غرامت بدهد بنده هم موافقت دارم

دکتر طاهری - دوباره بخوانند (پیشنهاد آقای ملک مدنی مجدداً خوانده شد)

رئیس - نظر آقای مخبر

مخبر - عرض کنم چنانچه آقای وزیر عدلیه فرمودند محاکم و اجراءات در این قضیه دچار زحمت شده اند مردی است زنی دارد زن بمنزل شوهر نمی رود مرد به محکمه عرضه می دهد که زن من از من تمکین نمیکند مطابق قانون مدنی محکمه هم حکم تمکین می دهد البته پس از رسیدگی که زن عذر مشروعی نداشته باشد حکم می دهد که این زن باید تمکین کند اما ضامن اجرای این حکم کیست زن است که رفته است در خانه دیگری البته زن است و نمیشود او را رفت و بقوه قهریه آورد (امیر فیروز - این بسته بیرون شوهر است که باید طلاقش بدهد) خوب حالا شوهر نمیتواند و نمیبخورد طلاق بدهد اگر تراضی پیدا شود که دعوی ندارد شوهر رفتن را میخواهد زن نمی آید بمنزل شوهر - شوهر رفته و به محکمه عرض حال تمکین داده و حکم تمکین هم صادر کرده است خوب این را نمی تواند اجرا کند این است که ضامن اجرای خواهد برای ضامن اجرای هم يك غرامتی در نظر گرفته اند که هر روزی که نمی رود

يك غرامتی بدهد و چون این نظر برای اجرای این حکم است بنده هم موافقت دارم

رئیس - آقای روسی

روسی - این ماده را بنده بعضی اهل اشکال میدانم که تصور میکنم هیچوقت هم مجری نخواهد شد اولاً وقتی بنامد اینطور باشد مرد البته باید طلاق بدهد يك عمل اراد برای زن باقی بماند بالاخره مرد بد اخلاق است و بقدری بد رفتاری میکند که زن خسته می شود ناچار می شود به علاوه در اجرای این دچار اشکال خواهد بود این زن است کجا پیدا بش می کنید چقدر را سرش می اندازد از این خانه می رود بخانه دیگر هیچ فواید هم چنانچه آقای وزیر عدلیه فرمودند نمیتواند این را جلب کند و دست شوهر بدهد بنده عقیده ام این است که اگر کار زن و شوهر باین پایه رسید طلاقش بدهد

رئیس - آقای امیر

امیر - عرض کنم آقایان بلاحظه بفرمائید که بقصدی که آقایان دارند از این پیشنهاد هم حاصل نمی شود اگر زن بيك جهات و بيك عذری بخواند از شوهرش جدا شود یا پنج فران و بکنو جان این بقصد حاصل نمی شود و بالاخره از طرف دیگر بلاحظه بفرمائید که خیلی از زنها هستند چه در دهات یا شهر ما که در روز بزداخواه ده شاهی نیست و ده شاهی هم عایدی ندارند این بقصد از کجا عملی خواهد شد اگر بقصد تمکین است آقای ملک هم باید بداند که تمکین فقط رفتن بمنزل شوهر نیست تمکین یعنی اطاعت است و مجرد رفتن بمنزل شوهر واقعی باین بقصد نیست

وزیر عدلیه - این ماده محتاج بيك توضیحات بیشتری است اولاً بعضی از مطالب است که باید بکفری با کمال تأسف گفت و البته قانون هم باید رام برای هر کاری و هر مشکلی بگذارد ولی لازم نیست همیشه هم عمل بن قانون بشود و اگر بعضی از مواد قانون هم حقیقتاً بی مورد عمل و اجرا نیاید خیلی بهتر است در میان

مردم و مخصوصاً بین زن و شوهر باید موافقت اخلاقی باشد و باید هم باشد و حقیقتاً هم اگر موافقت اخلاقی از روی اخلاق نبود آن زندگانی زندگانی نیست (افسر - حرام است) ولی از این طرف هم نمیتوان گفت که اگر مرد بدش می آید این را فوراً طلاق بدهد طلاق هم يك كار آسانی نیست ممکن است که بگوئیم در يك وقتی از زنهای توده بوالهوسیشان بیش از مرد ها است برای اینکه مرد را پس عاقله است اولاد دارد زندگانی دارد و كسب و كار دارد تنه است برای نگاهداری خانه انی برای نگاهداری بچههاش چهار است و باسانی حاضر برای طلاق نیست بنا بر این اگر يك جنبه اجباری برای زن نباشد دیگر بكلی مطلق العنان است البته در این مورد فکر تربیت شده ها را نباید کرد آنها این كار را نمیکند چه مرد ها و چه زن ها اما يك اشخاصی هم هستند که قانون باید آنها را تربیت بکند خودشان حاضر نیستند وقتی که در قانون مدنی گذارده شد که زن باید اطاعت شوهر را بکند يك جنبه دیگری را بخواهد که اگر نکرد چه باید کرد اگر نکرد و انرا بکند او بیست و آه در حالی که کسی بیخرد اگر عیب داشته باشد اختیار است برای او اجبار ندارد که پس بدهد ممکن است خسارت بگیرد چرا؟ برای اینکه ممکن است مهاجرت او این باشد که همان سال را داشته باشد با همان عیب و در اینجا باید تفاوت او را بگیرد مرد طوری محتاج زن است که نخواهد و نمیتواند او را طلاق بدهد خصوصاً زنی که بخواهد روی بوالهوسی طلاق بگیرد وقتی که زن روی قانون ازدواج دانست که تقبل کرده است که باید مطیع باشد تقبل کرده است و نمیتوانیم بر زن تحميل است خودش از روز اول قبول کرده است با این قید و این شرط که ضمیمه حقوق عقد ازدواج است در عقد ازدواج بسته میشود پس باید باین شرط وفا کند اگر بنا باشد روی بوالهوسی بخواهد وفا نکند يك تضمین اجرایی لازم است و آنهم باز بتناسب احترامات زن که بشر است مناسب نیست که يك الزاماتی که مثل سایر

مرد مثل کسیکه مالاً مال کسی را بدهد او را بگیرند اوقیف میکنند در زوجیه این مقدار خوب نیست اگر زنی را بخواهند برای اطاعت از شوهر حبس کنند در این جا باید گفته حقیقتاً مرد خیالی بی غیرت است که حاضر میشود زنی را حبس کنند برای اینکه از او اطاعت کند. آنهم بد است پس بهترین دویه همین است که او را مكاف کند بدادن غرامت چنانچه در بعضی از مهالك خارجه موصول است که زن را مكاف می کنند بدادن غرامت یعنی يك الزام مالی بر او همین می کنند

رئیس - آقای دین

**طباطبائی دینا** - اولاً آنچه نظر بنده است و اجماع باین مسأله در قانون ازدواج يك ماده تصویب شده است که تکلیف این قضیه را معلوم کرده و عجلتاً بآن قانون مراجعه نموده است که به بینیم آن ماده چه جور تنظیم شده و ترتیبی چه است تا بجا آمده بنده مخلم با این پیشنهاد آقای مالك مدنی. مسأله را باید سهل و آسان کرد این ها يك تكالیف اخلاقی است که زن باید از شوهر اطاعت نماید. البته در شرع ما هم بنظر است واجب است که زن از شوهر اطاعت نماید آنچه بنده فهمیده از این پیشنهاد این است که در مقام عمل چنانچه خود آقای وزیر عدلیه توضیح دادند قضیه مورد اشکال شده بعضی اوقات محکمه حکم نمیکند داده ولی باز فردا نمیکند نکرد باز محکمه حکم میدهد. ضامن اجرای عدم نمیکند و اطاعت نکردن آن از شوهر در شرع عبارت از این است که نفقه ندارد و الا این در مقام عمل باز همان اشکالی که فرمودند فراهم میآورد. فرض فرمایند محکمه حکم داد به غرامت. اولاً این جا مورد غرامت نیست (اورنگ - بسیار خوب) غرامت مستلزم يك ضرر مالی است در این جا ضرر و خسارتی منظور نیست در مقام عمل بونته همان اشکالات در کار هست فرض فرمایند زنی محکوم شده به نایبه پنج رطل باده ریل اگر نداد موافق مقررات و قواعد کلی باید حبس کنند

و این صحیح نیست و اگر آمدیم بکنار محکوم شد معلوم شد که فقیر است و ندارد اوقاف تکالیف چیست. بالاخره هم آن اشکالاتی که فرمودند در این مسأله غرامت است و بنده نفیهدام این است آقای مالك مدنی اگر از این پیشنهاد صرف نظر فرمایید بهتر است.

رئیس - آقای اورنگ

**اورنگ** - اگر آقای مالك از پیشنهاد بگذرد بنده قبول میکنم. روز گذشته در قانون مدنی دو سه ماده مربوط باین ماده گذشت و همه آقایان رأی دادند بآنرا برای خاطر اینکه اگر زن در خانه شوهرش خوف جان یا ضرر مالی یا شرافتی برای خودش تصور کرد همچو زنی می تواند از خانه شوهر بیرون برود و جای دیگر منزل کند و در صورتیکه جای دیگر می رود بر عهدا شوهر است که باز نفقه او را بدهد. (در این موقع بعضی آقایان و کلا از مجلس خارج میشدند)

**رئیس** - آقایان بیرون تشریف ببرند که مجلس از اکثریت می افتد  
**اورنگ** - این ماده را روز گذشته همه رأی دادیم. این در صورتی است که زن از روی حقیقت و واقع مبتلا شده است يك مرد بی فایده بود اخلاقی و روی هورفته بد و شریری. همچو زنی که مواجه با چنین مردی شده ما حقوقش را روز گذشته تصدیق و تصویب کردیم. حالا میگوئیم بر عکس اگر مرد مواجه شد بیک زن ناهنجاری باین کیفیت آقایان میفرمایند طلاق خوب طلاق خدمت بعضی از آقایان سهل است ولی این طور نیست. طلاق يك امر بسیار مشکلی است. اگر موافق شرع اسلام فرمایند میگویم طلاق مجال است بجهت این که در طلاق استماع دو نفر شاهد عادل موافق دستور شرع لازم است شما این را بمن نشان بدهید تا من همین امروز طلاق بدهم  
**طباطبائی بروجردی** - شاهد عادل زیاد پیدا میشود. مفعول از شاهد عادل نه آن عادل است که شما در نظر دارید.

(همه آقایان امیندگان... زنگ رئیس.)

**اورنگ** - طلاق پیش اهل شرع کار قبیحی و برای خیالی از نفوس بشر کار مشکلی است. اگر زنی از روی بوالهوسی از خانه شوهرش فرار کرد و بیرون رفت و نمیکند بگردا ۵۰۰ چو زنی چه باید کرد؟ باید طلاق. حکم نمیکند که قابل اجرا نیست طلاق هم که در هر جا میشود داد. همین جریمه همین شده بهترین راهها است و مناسب است.

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - حقیقتاً آقای دینا در قسمت فرمایشات آن چیزی فروگذار نکردند و همه چیز را گفتند. این قانون يك قانون مذهبی است و ما حق نداریم که در قانون مذهبی دخالت کنیم و آنرا تغییر و تبدیل دهیم (صحیح است) در این مورد شرع همین کرده که چنین زنی را باید طلاق داد. حالا ما در اینجا يك پیشنهادی میکنیم بر خلاف شئون مجلس و حقیقتاً بر خلاف همه چیز است و بنده خوب امیدوارم - بهتر این است که آقای مالك مدنی این پیشنهاد را پس بگیرند بنده خواهش میکنم و الا این يك امری است که مشاجره بین آقایان و کلا تولید خواهد کرد (صحیح است)

**رئیس** - به بنده از اداره قوانین اطلاع میدهند که آن قانونی را که می بایستی این ماده باو ملحق شود نمره گذاری شده و بنده اعضاء کرده ام و ابلاغ شده بنا بر این با این تذکر اداره قوانین بنده نمی توانم برای این ماده جالی بیابم. خواهش میکنم از آقای وزیر عدلیه و پیشنهاد کننده که این را ذخیره نگاه دارند برای بعد ما (صحیح است) آقای مالك مدنی

**مالك مدنی** - عرض کنم این اراجمی که هست همه آقایان مطالعه کنند که آقای وزیر عدلیه در وزارت عدلیه کیسولی دارند بدو در آنجا مشاوره میکنند و بعد این قوانین را میآورند به مجلس (طباطبائی دینا) - این ماده تازه آمده است) اجازه فرمایند آقا حضرات عالی خودتان رئیس کیسول عدلیه اید مجال بدهید من صحبت کنم

عرض کنم این مذاکرات نتیجه فکر آقای وزیر عدلیه است و این مطلب و پیشنهاد هم نتیجه فکر کبیر بود است که بنده هم امضاء کردم. مطالبات شده و فکر خود بنده بوده که ابتکاراً آنرا پیشنهاد نموده باشم تا مورد بحث و گفتگو بوده باشد خواستم این را توضیح بدهم که بین آقایان رقابتی نباشد و تفاهمی نشود. و چون آقای رئیس فرمودند موردی ندارد باین جهت بنده هم دست بردارم

رئیس - مذاکره در کلیات تالی است (مخالفی نیست) آقایانیکه با مجموع این قانون موافقت دارند بر خیزند (اکثر بر خاستند) تصویب شد.  
[ ۴ - موقوع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]  
رئیس - اجازه میفرمایید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده پنجشنبه ۲۱ فروردین یعنی فردا سه ساعت آهل از ظهر - دستور تصویب صورت مجلس (مجلس یکربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

# قانون

## تصویب اراراد های پستی منصفه در کنگره پستی قاهره

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد پستی عمومی و مقوله نامه مراسلات و جبه های با قیمت اظهار شده و مقوله نامه امانات پستی و مقوله نامه بروات پستی را که در تاریخ بیستم مارس ۱۹۳۴ مطابق سی ام اسفند ماه ۱۳۱۲ در کنگره پستی قاهره منعقد و شرح ذیل تنظیم یافته تصویب مینماید .  
اول - قرارداد پستی عمومی دارای ۸۲ ماده و پرنکل نهائی آن شامل چهارده ماده و نظامنامه اجرائی قرارداد مزبور مشتمل بر ۹۲ ماده و مقررات مربوط به حمل و نقل مراسلات هوائی متضمن ۳۰ ماده و پرنکل نهائی آن شامل ۳ ماده  
دوم - مقوله نامه راجع به مراسلات و جبه های با قیمت اظهار شده دارای ۲۴ ماده و پرنکل نهائی آن مشتمل بر یک ماده و نظامنامه اجرائی و مقوله نامه مذکور متضمن ۱۶ ماده  
سوم - مقوله نامه راجع به امانات پستی شامل ۵۱ ماده و پرنکل نهائی آن دارای ده ماده و نظامنامه اجرائی مقوله نامه مذکور متضمن ۵۱ ماده و مقررات راجع به عمل امانات پستی از راه هوا مشتمل بر ۲۲ ماده با پرنکل نهائی آن دارای یک ماده .  
چهارم - مقوله نامه بروات پستی شامل ۳۹ ماده و نظامنامه اجرائی مقوله نامه مذکور دارای ۱۰ ماده  
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه ۲۰ فروردین ماه یکوزار و سبده و چهارده شهری تصویب مجلس شورای ملی رسید .  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

# قانون مدنی

## باب دوم - در انحلال عقد نکاح

ماده ۱۱۲۰ - عقد نکاح به فسخ یا به سلاق ۱ به نقل مدت در عقد انقطاع منحل میشود

### فصل اول

#### در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۱ - جنون هر يك از زوجین بشرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادولری باشد برای طرف مقابل موجب

حق فسخ است

ماده ۱۱۲۲ - عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظایف زناشولی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود

۱ - عین بشرط اینکه بعد از گذشتن مدت یکسال از تاریخ رجوع زن بحاکم رفع نشود

۲ - خمی

۳ - مضطرب بودن آلت تناسل

ماده ۱۱۲۳ - عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود

۱ - قرن

۲ - جذام

۳ - برص

۴ - افتضاح

۵ - زمین گیری

۶ - کاپیتکی از هر دو چشم

ماده ۱۱۲۴ - عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است

ماده ۱۱۲۵ - جنون و عین در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود

ماده ۱۱۲۶ - هر يك از زوجين كه قبل از عقد عالم باسراش مذكوره در طرف ديگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت  
 ماده ۱۱۲۷ - هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به يكي از اسرأش مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت كه از نزديكى  
 او امتناع نمايد و امتناع بيات مزبور مانع حق فسخ نخواهد بود  
 ماده ۱۱۲۸ - هرگاه در يكي از طرفين صلت خاصي شرط شده و بعد از عقد معلوم شود كه طرف مذكور فائده وصف  
 مقصود بوده براي طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذكور در عقد تصريح شده يا عقد متبايناً برآن واقع شده باشد  
 ماده ۱۱۲۹ - در صورت استنكاف شوهر از دادن نفقه و عدم امكان اجراء حكم محكمه و الزام او بدادن نفقه زن  
 ميتواند براي طلاق بجاكم رجوع كند و حاكم شوهر او را اجبار بطلاق مينمايد  
 همچنين است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه  
 ماده ۱۱۳۰ - حكم ماده قبل در موارد ذيل نيز جاري است  
 ۱ - در موردی كه شوهر ساير حقوق واجبه زن را وفا نكند و اجبار او هم بر ايشه ممكن نباشد  
 ۲ - سوء معاشرت شوهر چدي كه ادامه زندگانی زن را با او غير قابل تحمل سازد  
 ۳ - در صورتيكه بواسطه اسرأش مريضه صباالملاج دوام زناشویی برای زن موجب مخاطره باشد  
 ماده ۱۱۳۱ - خیار فسخ فوری است و اگر طرفی كه حق فسخ دارد بعد از اطلاع بلك فسخ نکاح را فسخ نکند  
 خیار از ساقط میشود بشرط اینکه عام بحق فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدنی كه رای امكان استفاده از خیار لازم  
 بوده بنظر عرف و عادت است  
 ماده ۱۱۳۲ - در فسخ نکاح رعایت تربیانی كه برای طلاق مقرر است شرط نیست

فصل دوم - در طلاق

مبحث اول - در کلیات

ماده ۱۱۳۳ - مرد میتواند هر وقت كه بخواهد زن خود را طلاق دهد  
 ماده ۱۱۳۴ - طلاق باید بصیغه طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل كه طلاق را بشنوند واقع گردد  
 ماده ۱۱۳۵ - طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق بشرط باطل است  
 ماده ۱۱۳۶ - طلاق دهنده باید بانم و عاقل و قاصد و مختار باشد  
 ماده ۱۱۳۷ - ولی مجنون دائمی میتواند در صورت مصلحت ولی طایفه زن او را طلاق دهد  
 ماده ۱۱۳۸ - ممكن است صیغه طلاق را بنوسط وكيل اجراء نمود  
 ماده ۱۱۳۹ - طلاق مخصوص عقد دائم است و زن متعاضه بافضاء مدت با بطل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج میشود  
 ماده ۱۱۴۰ - طلاق زن در مدت عادت زناشویی یا در حال تماس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل  
 از نزدیکی او واقع شود (شوهر غایب باشد بطوریکه اصلاح از عادت زناشویی بودن زن نتواند حاصل کند  
 ماده ۱۱۴۱ - طلاق در طهر موافقه صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد  
 ماده ۱۱۴۲ - طلاق زنی كه با وجود اقتضای سن عادت زناشویی نباشد و نهنی صحیح است كه از تاریخ آخرین نزدیکی  
 او زن سه ماه گذشته باشد

مبحث دوم - در اقسام طلاق

ماده ۱۱۴۳ - طلاق بر دو قسم است . بانم و رجعی  
 ماده ۱۱۴۴ - در طلاق بانم برای شوهر حق رجوع نیست  
 ماده ۱۱۴۵ - در موارد ذیل طلاق بانم است  
 ۱ - طلاق قبل از نزدیکی واقع شود  
 ۲ - طلاق بانم  
 ۳ - طلاق خلع و مبارات مادام كه زن رجوع بپوش نكرده باشد  
 ۴ - سومین طلاق كه بعد از سه وصلت متوال بدل آید اهم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید  
 ماده ۱۱۴۶ - طلاق خلع آنستكه زن بواسطه كراهتی كه از شوهر خود دارد در مقابل مال كه بشوهر میدهد طلاق  
 بگیرد اهم از اینکه مال مزبور عین مهر یا مماثل آن و با بیشتر و با کمتر از مهر باشد  
 ماده ۱۱۴۷ - طلاق مبارات آنستكه كراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زنانه بر میزان مهر نباشد  
 ماده ۱۱۴۸ - در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است

ماده ۱۱۴۹ - رجوع در طلاق بهر لفظ یا فعلی حاصل میشود كه دلالت بر رجوع كند مشروط بر اینکه مفروض  
 بقصد رجوع باشد

مبحث سوم - در عده

ماده ۱۱۵۰ - عده عبارت است از مدتیكه تا اقتضای آن زنی كه عقد نکاح او منحل شده است نمیتواند شوهر دیگر  
 اختیار کند  
 ماده ۱۱۵۱ - عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زناشویی نیند كه در  
 این صورت عده او سه ماه است  
 ماده ۱۱۵۲ - عده طلاق و فسخ نکاح و بطل مدت و اقتضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است  
 مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زناشویی نیند كه در این صورت چهل و پنج روز است  
 ماده ۱۱۵۳ - عده طلاق و فسخ نکاح و بطل مدت و اقتضای آن در مورد زن حامل تا وضع حمل است  
 ماده ۱۱۵۴ - عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل  
 باشد كه در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار  
 ماه و ده روز بیشتر باشد و الا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود  
 ماده ۱۱۵۵ - زنی كه بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن پاكه عده طلاق دارد و عده  
 فسخ نکاح ولی عده وفات در هر دو مورد باید رعایت شود  
 ماده ۱۱۵۶ - زنی كه شوهر او غایب مفقودالامر بوده و حاكم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده  
 وفات نگاهدارد  
 ماده ۱۱۵۷ - زنی كه به شبهه با كسی نزدیکی كند باید عده طلاق نگاهدارد  
 این قانون كه مشتمل بر سی و هشت ماده است در جلسه بیستم فروردین ماه پانزدهم و چهاردهم شهریور  
 مجلس شورای ملی رسید  
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر